

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

۲۳ فبروی ۲۰۱۴



### تشکیل گروه کمونیست کورچا

سیاست ضد خلقی و ضد ملی رژیم زوغو ناخشنودی عمومی توده های مردم را برانگیخت. مبارزه برای تحقق وظایف دموکراتیک ضد امپریالیستی مجدداً در دستور روز قرار گرفت. البته تروری که زوغو در سراسر کشور گسترده بود هر اعتلای مجدد جنبش دموکراتیک را بسیار مشکل می ساخت. ولی معذالک مبارزه به ضد زوغو تعطیل نشد و نیرو های دموکراتیک ضد زوغو مبارزه را به شکل های گوناگون ادامه دادند.

مقاومت نیرو های دموکراتیک به ویژه به صورت عملیات انقلابی دهقانان و کارگران ظهور کرد. در چندین منطقه دهقانان به ضد مالکان بزرگ ارضی که می خواستند آنان را به زور از املاک خویش برانند و یا زمین های آنان را تصاحب کنند و همچنین به ضد مالیات های بسیار سنگین قد علم کردند. این مبارزه در بعضی موارد جنبه برخورد خونین با ژاندارمری زوغو به خود گرفت.

نقش طبقه کارگر پیوسته مهم تر می شد. دهقانانی که بناچار زمین های خود را ترک گفتند و پیشه ورانی که ورشکست می شدند صفوف طبقه کارگر را تقویت می کردند. عده ای از آنها در کار های ساختمانی دولتی که با سرمایه های خارجی (ایتالیایی) انجام می گرفت استخدام می شدند. کارگران که در زیر استثمار وحشیانه شرکت های ساختمانی به سر می بردند از سالها پیش، از سال ۱۹۲۵ به ضد بیعدالتی ها به اعتراض برمی خاستند. آنها اعتراض می کردند و گاهی برای دریافت مرتب دستمزد خویش که غالباً یک یا چند ماه به تعویق می افتاد دست به اعتصاب می زدند. در ۱۹۲۷ کارگران شرکت انگلیسی صاحب امتیاز نفت و کارگران معادن سلنسیا که خواستار ترقی دستمزد خویش بودند به کارگران ساختمان پیوستند و کار را تعطیل کردند. مداخله نیرو های ژاندارمری زوغو غالباً کارگران را مجبور می کرد که بدون نیل به حقوق خویش دوباره سر کار بروند.

در این سال ها بود که چندین سازمان کارگری به وجود آمد مانند: «وحدت کارگری» در ژیرکاسترو (۱۹۲۵)، اتحادیه کارگران خیاط «پریاریمی» (ترقی) در تیرانا (۱۹۲۷)، «وحدت کارگران خیاط» در کورچا (۱۹۲۷). هدف این سازمان ها که اتحادیه های شاگردان پیشه وران و کسبه بودند این بود که همبستگی ایجاد کنند و کمک متقابل بین کارگران را سازمان دهند و از تأثیر آثار کوپراسیون ها بکاهند و تصادمات میان شاگردان و صاحبکاران را فیصله بخشند و غیره. «وحدت کارگران خیاط» در کورچا استادان پیشه ور را نیز در صفوف خود می پذیرفت و به این امر گرایش داشت که منافع آنها را با منافع شاگردان آشتی دهد. اینگونه جمعیت ها نمی توانستند در سازمان دادن نهضت کارگران نقش مهمی ایفاء کنند، و در واقع ایفاء نکردند.

مبارزه دهقانان و کارگران از لحاظ مضمون خود از همان آغاز به ضد زوغو بود زیرا که رژیم زوغو کلیه دستگاه نظامی و پولیسی خود را به کار انداخت تا هر نهضتی را که خواهان اندک بهبودی در وضع رنجبار توده ها باشد به زور مختنق گرداند. اما این مبارزه در اثر فقدان رهبری انقلابی، متشکل نبود و وقفه های متوالی در آن روی می داد. جنبش نیرو های دموکراتیک، جاندار شدن نهضت کارگری و ناخشنودی همگانی از رژیم، زمینه مساعدی برای نهضت کمونیستی متشکل به وجود آورده بود. نوشته های مارکسیستی که در محافل کارگری، پیشه وری و روشنفکری رواج می یافت نقش مهمی در این امر ایفاء کرد. این مطبوعات را البانی هائی که در خارج از کشور به تحصیل و یا کار اشتغال داشتند و افکار کمونیستی را پذیرفته و در صدد تبلیغ بودند به البانی می آوردند.

در ۱۹۲۸ عناصر پیشرو از کارگر و پیشه ور در شهر کورچا نخستین حوزه کمونیستی را ایجاد کردند. اعضای این حوزه اگرچه مایه تئوریک و سیاسی به اندازه لازم نداشتند این نکته را دریافته بودند که سازمان دادن نهضت کمونیستی شرط ضروری توسعه نهضت کارگری و مبارزه توده های مردم علیه رژیم مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی است. به زودی حوزه های دیگری در کورچا به وجود آمد و این وضع ایجاب کرد که تجدید سازمانی در کار حاصل شود. به این منظور در ماه جون ۱۹۲۹ جلسه ای از نمایندگان حوزه های کمونیستی تشکیل شد و در این جلسه بود که کمیته رهبری به ریاست میهال لاکو (پیشه ور) تأسیس گردید و نیز تصمیم گرفته شد که حوزه های جدید به وجود آید. حوزه های مذکور موظف بودند که به وسیله گروه هائی به نام گروه های آموزش فکری - سیاسی به تبلیغ افکار کمونیستی بپردازند. همچنین جلسه نمایندگان حوزه های کمونیستی مقرر داشت که این حوزه ها باید از طریق اتحادیه های کارگری علنی با توده ها و با نهضت کارگری در پیوند باشند. پس به این منظور وظیفه داده شد که به تشکیل جمعیت های کارگری انقلابی که برای ارضای مطالبات اقتصادی و سیاسی مبارزه کنند، پرداخته شود.

جلسه جون ۱۹۲۹ پایه گذار گروه کمونیست کورچا و آغاز نهضت کمونیستی متشکل بود. نهضت کمونیستی کورچا تحت رهبری کمیته رونق یافت. به زودی ۸ حوزه که مجموعاً ۴۰ عضو داشتند در شهر به فعالیت پرداختند و هر یک از آنها ۳ یا ۴ گروه آموزش فکری - سیاسی را اداره می کرد.

گروه کمونیست کورچا نخستین سازمان سیاسی انقلابی طبقه کارگر البانی بود ولی هنوز ضعیف بود، به اندازه کافی متشکل نبود، تجربه نداشت، اولین قدم ها را بر می داشت. نوشته هائی که اعضای حوزه ها و هواداران راجع به کمونیسیم مطالعه می کردند، همه مارکسیستی نبود. در میان آنها آثار ترتسکیستی و آنارشیتی نیز دیده می شد که آشفتگی ایدئولوژیک به بار می آورد. شایع ترین آنها مطبوعات «آرشیو - مارکسیست»<sup>۱</sup> بود متعلق به یک سازمان روشنفکری ترتسکیستی یونانی. بعضی از افراد گروه کورچا نظریات «آرشیو مارکسیست» را پذیرفتند و یکی از آنها به نام نیکو جوجی، عضو کمیته رهبری بود. این افراد مارکسیسم را به زبان قبول داشتند و در واقع احکام اساسی آن را تحریف می کردند و از تحقق آن با کلیه وسائل جلو می گرفتند.

<sup>۱</sup> - نام سازمان ضد مارکسیستی یونانی که از کلمه «آرشیو - مارکسیسمو» (به معنی بایگانی مارکسیسم) اتخاذ شده است.

گروه کورچا درست در دوره ای به وجود آمد که بحران اقتصادی سرمایه داری به وقوع می پیوست، بحرانی که عواقب فلاکتبار آن در البانی نیز به ظهور رسید. مالکان ارضی و سرمایه داران در صدد بر آمدند که همه سنگینی بحران را بر دوش دهقانان و کارگران بیفکنند. وضع دهقانان به خودی خود تأثیر انگیز بود در اثر تقلیل بهای محصولات کشاورزی وخیم تر شد و این امر بسیاری از دهقانان را واداشت که زمین خویش را رها کنند و در جست و جوی وسائل معاش روانه شهر ها گردند. اشکالات روز افزون که در امر فروش کالا پیش آمد باعث ورشکستگی عده کثیری از پیشه وران و کسبه خرده پا شد. عده ای از کارخانه ها و کارگاه ها از کار باز ایستادند و یا از تولید خویش کاستند و همه این اوضاع موجب افزایش بی حد بیکاری و کاهش دستمزد ها گردید. از این جهت جنبش اعتصابی کارگران به منظور دفاع از حقوق خویش وسعتی عظیم یافت. در ۱۹۲۹ یک سلسله اعتصابات و از آنجمله اعتصابات کارگران ساختمانی لیبرازد، کارگران شنگزین و کارگران ساختمانی جاده کروژا - بورل روی داد. در جنوری ۱۹۳۰ کارگران ساختمانی در تیرانا با کار فرمایان سرمایه دار درگیر شدند. در تابستان همان سال کارگران ساختمانی «و وای د ژاس» در اشکودرا به اعتصاب دست زدند و کارگران اکتشاف مس در پوکا، کارگران ساختمان کانال آبیاری کاوایا، کارگران ساختمانی پل های روبیک و سینانای در نزدیکی تپلنا، ملوانان کشتی های ماهیگیری و ناو های دولتی وغیره به آنها پیوستند.

وخامت کلی وضع اقتصادی و قحطی که قشر های فقیر مردم را فراگرفت بیش از پیش موجب ناخشنودی از رژیم گردید.

اعتلاء نهضت کارگری برای گروه کمونیست کورچا فرصت مناسبی بود که فعالیت خویش را گسترش دهد و با توده ها پیوند یابد. ولی گروه مذکور به علت ضعف های فاحش ایدئولوژیک و سازمانی خویش از نهضت برکنار ماند. بعداً در اثر اقدامات «علی کلمندی»، مبارز برجسته کمونیست، به این نتیجه رسید که تغییرات مهمی در فعالیت خویش وارد آورد.

ادامه دارد...